

# حقیقت

شماره ۶  
انفد ۱۳۵۵

ارگان اتحادیه کومنتسهای ایران

## در باره «زخدادهای سیاسی اخیر»

اخیرا رژیم شاه موج حملات نویسیراطبه جنبش انقلابی و اپوزیسیون مترقی ایران در داخل و خارج کشور آغاز کرده است. این حملات که بصورت جابجایی مقالات ساواک در برابری گروههای سیاسی در روزنامههای ایران و سخن برانگیزانه ادبی صورت پذیرفته است تنها گوشه ای از سیاستهای جدیدی است که کارهای تاجک حاکم بر ایران در مقابل شرایط موجود دست به تدبیر و اجرای آنها کرده و سرافراز کارزار تازه ای از عوامفریبی و خدعه گری از جانب دربار محمد رضا شاه است.

در حالیکه رژیم شاه در گذشته، جنبش و بورژوازیکی خارج کشور را تعدد لفظی عناصر وابسته به بیگانه جلوه میداد که از شهری به شهری رفته و نظاهرات «ضد ایرانی» برگزار میکردند، اکنون اتراف در کج جنبش دانشجویی خارجه هزاران عضو هوادار داشته و در ای تشکیلات وسیع جهانی است. چراوژی که مدت ها وجود مبارزی آزاد یخواهان در ایران و خارج را کتمان میکرد ، اکنون بوجود آنها اقرار کرده عوامی باعث گشته که رژیم فاشیست و خونخواری که سلسله ی استبداد اسباه خود بر ابرام نقاط کشور گسترانیده است، اکنون اینچنین زبون و از موضعی ضعیف به نیروهای مترقی خارج بنامزد و آنها را دارای امکانات وسیع نماید.

لیت معرفی کند ؟

بیشک تحلیل از دل این اتحاد این تاکتیکیهای جدید و تبلیغ در آگاهانیدن توده و اذطل و اهداف این حیلته نویین ارتجاع و وظیفی مهم جنبش انقلابی است. برای بی بردن به طبل اتحاد این سیاستها و مناورهای تازه باید به شرایطی که رژیم ایران اکنون در آن بسر میرسد توجه نمود. صرف نظر از محرمان شدن ی اقتصاد و سیاسی که در امگیر حکومت شاه است و طبعیاد این رزن در مبارزه و مقاومت مردم و ویرا باد شواریهای بزرگ رومرو ساخته است، برنامه های تبهکارانه ای که شاه و اردو سته اترقی چند سالی اخیر برای بنیاد بنیاد خود تدبیر و اجرا نموده و بر آن نام «رستاقیزشده» اند ، اکنون به بن بست رسیده و در یگر پیشروی و مناور تحت آن برای ارتجاع ایران ممکن نیست و بناچار باید چاره ای تازه اندیشید .

شاه و اردو سته اترقی، در ایجاد حزب رستاقیز و برنامه های مربوط به ان اهد افی را جستجو میکردند که آنها را میتوان چنین خلاصه کرد :

یکه تبهکاران ایجاد نمایند .  
گردد سلطنت شاه و در زیر چتر رستاقیز متحد نمایند .  
دوم با ایجاد یک دستگاه متمرکز تبلیغاتی و تقیضی عقاید و گسترش آن بنام نقاط کشور ، زمینگی سیاسی با ثبات تری در جامعه برای پیشبرد نقش پایگاهی ایران در منطقه بوجود آورند .

سوم در جامعه و مخصوص در میان اقشار خود ه بورژوازی مرفه و روشنفکران تکیه گاهی برای حکومت تبهکار شاه ایجاد نمایند .

همی این اهداف اکنون هر یک بد لیلی مواجه با شکست گردیده است: برنامه ی متحد کردن هیئت حاکنه بگرد سلطنت شاه و در حزب رستاقیز ، عملت بحران اقتصادی شدیدی که در وسالی اخیر امگیر جامعه بوده و در نتیجه بیوش شدن بی تر بورژوازی سوبورکرات دولتی ایران انحصاری نمودن تولید ، تزویج دولالی و قبضه کردن همی شئون اقتصادی و موجب گردیده ، نه تنها موفق نگردیده است، بلکه تضاد های ارتجاع ایران را نیز از بین برده است. در عین حال وضع بحران فشاری توده های مردم ، ناراضیاتی سرمایه - داران کیمیراد و راکه این اعتصابات غالبا در کارخانه های آنان صورت میگیرد ، بیش از پیش افزایش داده است.

در طول سالهای اخیر ، رژیم شاه منظور سرکوب جنبش رو به گسترش کارگران و همی مردم ، چهیره ی فاشیستی تری بخود گرفته ، ماهیت استبداد آسیایکی خود را بیش از پیش به نمایش گذارده است. اما این یوز

## اقتصاد ایران بسوی ورشکستگی

اکنون چند مدتی است که کارگران رژیم تبهکار شاه برای موجه جلوه دادن وضع وخیم اقتصاد کشور و خاصه کاهش شدن بی سرع لیستی مالی حکومت خویش گریبان همه کس و همه چیز را میگیرند. نگاه کارگران ایران کنشاور وضعیت خراب صنایع و درفقانان مشغول کمبود مواد کشاورزی تغذیافته شده و نگاه نیز رژیم ارتجاعی عرستان و جهت هم طولی شاه، زرگی پایی مشغول کم شدن امکانات مالی دولت میگردد ، خلاصه گریبان همه کس وهمه چیز گرفته میشود ناشاید گریبان رژیم مرتجع شاه که مشغول این وضع است، ازینجهی بر قدر تر مردم ایران رها میگردد .

اما هیئات که واقعتا رهایچ درجه از عوامل و جنجال نشیونان پنهان نمود. آنچه که واضع

## اشغالگری سوسیالیست و مقابله انقلابی منظم در لبنان

عناقه زیر نوبتهی رفیق عبد الفتاح غانم عضو کمیته مرکزی جنبه خلق برای آزادی فلسطین (رهبر یوزگ) «میباشد که برای حقیقت ابراهیل شده است. او در مقاله زیر ، نظمسوس جنبه ی خلق برای آزادی فلسطین ( رهبری گد) را در میانه یابین سؤال که «آینده و راهگونه میبندید و یگزیمیکندجه باید کرد ؟ - در شرایط باروناب خویش لبنان - شرح مکند .

از آغاز جنگ لبنان در ۱۳ آریل ۱۹۷۵ تا امروزه در ولتتهای عربی وید نال آنها امیرالیسم و صهیونیسم ساهد فرکوب نیروهای انقلابی لبنان و فلسطین آنچه که در لبنان میگذرد در نال میکنند. سرزمین لبنان طی این مدت شاهد جنگهای سخت و خونینی بوده که طی آن توده های کارگر ، درفقان و خرده و بورژوازی لبنان و فلسطین ، تابناکتین نبرد های قهرمانانه را علیه نیروهای فاشیست و دست راستی که سوسیالیست کیمیراد و راهی لبنانی رهبری میشدند علیه نیروهای رژیم دست راستی نشاندهی سوره و علیه اشغالگران نژاد پرست صهیون - نیست به شت تاریخ رسانده اند. این جنگهای قهرمانانه، نه، ۱۲ خلق لبنان را از کارگران بخش خدمات به جنگجویانی دلا و علیه تعرض فاشیستهای دست راستی تبدیل کرده و توده های ارگ و گاه لارترتر است قهرمانانی استوار مد ساخته که جسوتیرترین و حماسه مندانند ترین ایستادگی و قهرمانی از خود بروز داده اند. آسان که نیروهای دشمن را در هم کوبید ، اعجاب همگان را برانگیخت و هم سنگی تمامی نیروهای مترقی جهان را کسب کرد، امری که امیرالیسم را به هزارگونه حساسگری واداشت، تا آنجاکه از دست نشاندهان آن در جناحی محلی خود برای فشار بر نیروهای ریشدایبند و انقلاب یاری خواست و یاد شاه دست نشاندهی سوسیالیست و راه برگزاری کنفرانس نشاندهان ای در ریاض واداشت و دیگر دست نشاندهان ، سادات ، اسد ، امریکوئیت و ایالیس سرکیس نیز عوت او را برد برفتند . و در همین کنفرانس شوم بود که ضد انقلابیون شروط خود را تحمیل کردند و وارد یگزینیزد کنفرانس سران در زرقه آسترال تجدید نمودند . این کنفرانس بود که در ولتتهای ضد انقلابی عرب تحویل نیروهای اشغالگری سوسیالیست تمام خاک لبنان تحمیل کردند ، و نیروهای جنبش مقاومت

استبداد که اساسا نتیجه توده های مردم و نهفت انقلابی و کومنیستی ایران است، خواه ناخواه ، اینجاو آنجا در اما ن جناحها و عناصر ناراضی هیئت حاکنه راکه در مقابل حلقی انحصارگرانی سرمایه داری بوی - روزکرات دولتی «مقاومت» و «مخالفت» از خود نشان میدهند نیز گرفته و آزادی آنها را در برابر اختلافات خود بسا باند دربار محدود نموده است.

سیاست پایگاهی نمودن ایران نیز اکنون مشکلات بسیاری برای ارتجاع ایران بساز آورده است. بورژوازی کیمیراد و ایران که در آغاز طرح پایگاهی نمودن ایران منافع کلان در آن برای خود میدید ( چون گسترش بازار کالا بکل منطقه و غیره)، اکنون که بدلیل بحران جهان سرمایه داری و وضع خراب اقتصاد ایران ، این برنامه محدود به نظامیگری و افزایش بودجه نظامی ایران گردیده و منافع چند اتری برای بورژوازی کیمیراد و سایر ناپورده ، بنای مخالفت با آن را گدازده است. اینانکه امید بسیاری در رونق بخشیدن بوضع اقتصادی خود از قتل پول نفت داشته اند ، اکنون از مشاهده ای اینکه پول نفت اساسا صرف مخارج نظامی میگردد ، ناراضی اند و طالب سهم بیشتری از پول نفت برای «بخش خصوصی» اند.

در نتیجهی همی عوامل بالا ، هدف رستاقیز در متحد نمودن هیئت حاکنه بگرد شاه ، با شکست مواجه شده و بهکس شرایط بحرانی و اقدامات رژیم تبهکار شاه به تضاد های درونی ارتجاع و تضاد میان مردم و ارتجاع در این زده است.

درست در سبوحی جنبش شرایطی است که هیئت

دولت که در سال ۱۳۵۰ بندت به بحرانی بود ، در اوایل سال جاری برای مدتی کوتاه ظاهر ا رونق گرفت. ولی مجددا در پایان سال با وضع وخیمتر از سال قبل روبرو است. و این طبیعی است که در تحت شرایط بحران جهان سرمایه داری ، اقتصاد عقب افتاده و ورشکسته ای مانند ایران ، نه در یک سیروزمون ، بلکه در مسیر برپنج و چند حرکت کند. اما آنچه که در بحال زمینسه کلی این حرکت را تشکیل میدهد ، همانا بحران اقتصاد و سر حکومت بسوی افلاس و ورشکستگی است.

و خامت این اوضاع در چند سال اخیر و خاصه پس از کم شدن درآمد دولت ناشی از کم شدن تولید ، صادرات نفت از پیمانه امسال تا آنجاست که بسیاری برنامه های جنجالی و بخرجی که طی سالهای قبل طرح گردیده بود ، نه اکنون بهتمویق افتاده اند ، مثلا جراید غریبی خریدم دهند که ساختمان مجتمع نظامی بندر چاه بهار متوقف شده است و با مقامات ایران - مد اکرانی را برای تقلیل در مخارج و حجم برنامه عظمی ۱/۵ میلیارد دلار ی ساختمان مجتمع اردنانس ارتد را طراف اصفهان ، با شرکت انگلیسی سازند بی آغاز کرده اند ، همچنین بسیاری از تعهدات خارج کشور ، مانند وام و کمک بکشورهای دیگر ، منسوخ گردیده و دولت اعلام نمود که در برینامه بودجی سال ۱۳۵۵ ، ۱/۱ میلیارد دلار به اینگونه برنامه ها اختصاص داده شده است.

حرکت اقتصاد کشور بسوی ورشکستگی و افلاس ، اکنون در همی شئون اقتصادی آشکار گردیده است. نیب اعتبارات در دست دولت ، کم شدن پول در بازار و افزایش کساد ی ، کم شدن سطح تولید صنایع و منق ترش موازینی بازرگانی وارزی کشور ، همه و همه اجزای حرکت اقتصاد ایران بسوی ورشکستگی را تشکیل میدهد . ما در یلا به بررسی جوانی از این وضع اقتصادی کسب خواهیم بیاخت.

۱- در سال افزایش بهای نفت در سال ۱۳۵۲ افزایش درآمد ناشی از درآمد نفت تا حدود ۱۰٪ برابر کارانه در صنایع ایجاد حکومت ، کارزار سوسیالیست را در برابر ترش و تبلیغات کشور و قرارگیری ایران در راستای سبای «بزرگ» و غیره بیا کرده ، و وعده داده اند که در طی چند ایران در دد اکثریهای پیشرفتهی صنعتی قرار خواهند گرفت ، مردم ایران از رفاه کامل برخوردار خواهند و ایران مدیدل به بنجمین قدرت نظامی - اقتصادی خواهد شد .

۲- در سال افزایش بهای نفت در سال ۱۳۵۲ افزایش درآمد ناشی از درآمد نفت تا حدود ۱۰٪ برابر کارانه در صنایع ایجاد حکومت ، کارزار سوسیالیست را در برابر ترش و تبلیغات کشور و قرارگیری ایران در راستای سبای «بزرگ» و غیره بیا کرده ، و وعده داده اند که در طی چند ایران در دد اکثریهای پیشرفتهی صنعتی قرار خواهند گرفت ، مردم ایران از رفاه کامل برخوردار خواهند و ایران مدیدل به بنجمین قدرت نظامی - اقتصادی خواهد شد .

نکاتی پیرامون  
اقدامات ضد کارگری رژیم

در باره کشنده این تنبیه ، در باره وظیفی جدید ضد کارگری رژیم که زیر لولی «افزایش بازده کار» عنوان میشود مطالبی نوشته و منتشر نموده اند که در سباین نوشته به اشتباه کارگران و اشغال بحران اعتماد را بدوش آنان د نال میکنند و بار اشاره کردیم که امروزه این حرکت ضد کارگری با انتصونیومیزر آبروین ، این جوجه فاشیست و دستپوریدی متکبر رستاخوار در مرحله اجرائی خود شده است . مرحله ای که از یک تندرید شرایط فاشیستی را در صحنه کارگاهها و کارخانه ها ایران جستجو میکند و از دیگر سو میگوید چنین رنگ: زده تبهکاران و عوامفریبان رژیم را بعنوان گردن برنامه های آموزشی برای گران جلای نوبنی بخش . بررسی جواب دیگر از مجموع این حرکتها که امروزه جایگاه همی را در اقدامات ارتجاعی ، در صحنه شاه اشغال میکنند ، از نظر ترک معیتر میاسته . رژیم حاضر اهمیت است و ما در اینجا احوالا دو مورد را برز منجنامیم:

یکه ی نخست نثار خود را در این برنامه جدید ه کارگری در شکل کوشش رژیم بورژوازی بوروکراتیک محدود رضا ایجاد وحدت و یکپارچگی در میان صفوی شکاف طبقاتی حاکنه ایران نشان میدهد . زمانیکه آبروین ۲۰۰ تن از ده کارخانه های خصوصی را جمع منجنامید تا برایشان توضیح دهد که چگونه «وزارت کار از این بین تنها وزارت کارگران نیست وزارت کارگر و کارفرماست» و روشن است که سالیی جلب اعتماد اطمینان بورژوازی بزرگ و کیمیراد و ایران طرح است که هم برتو تضاد های درون جناحهای مختلف سرمایگی مالی امریک تیضاد بین با اردو ستهی بوروکرات درباری شدت یافته است اینکه در این دوران بحران اقتصادی از یک تازی سرمایه بوروکرات درباری جهت قبضه کردن کلیه موارد سود آور اند سخت صدمه دیده است و در بسیاری موارد ناگزیر سرمایه د خود را بسوی خارج قرار داده است.

ایستک رژیم مشغول زنده ی شاه ضروری میدانند که جنبش نشاندادن و تثبیت خود بعنوان بهترین یوزگ دست نشانده حکومت جدید امریکا ، کلیه گروههای هیئت حاکنه را باز به خود متحد نماید و ایشان ثابت کند که خودش بهترین مد یشتیبتیان منافع آنان در مقابل حرکت رو برشد و مبارزه جوی

انتقاری سوریه .. دربار "رحم آهالی" ..  
مد هارا پشت سرگذاشته بود، رژیم حاکم و موسسات گوناگونی را در رحم گوید و پیش از آنکه خاک لبنان را از سر بخشد بود، طرح شمارش سرکشی رژیم کمزور بیرون برداشت و دست ملی دموکراتیک حلفی مرکزی می بود که هم جنبش ملی لبنان و هم مقاومت فلسطین، هر دو آبراز دست نهادند. اولی آبراز دست نگذاشت تا در دستگاه باشد و شده برای خود جایگاهی دست و پا کند، و دومی از دست نگذاشت چون پیروزی سپاهانی در لبنان یعنی پایان نقشه ها، برنامه ها و اختیالات در جریان سازش سیاسی بود.

و اکنون نیز هنوز برنامه ها و رهبری های جنش ملی و جنبش مقاومت فلسطین بر همان سوال است، همان سوال تن دادن به فشارهایی که از جانب رژیمهای ارتجاعی عرب وارد می آید، تجزیه جنگ و ارد دست دادن مواضع یکی بعد از دیگری و اکنون باز سوالی که از طرف توده های حیزت زد و تکرار می شود، این است که چه باید کرد؟ و اکنون اینس سوالی معنای جدید میگیرد. آری پس از آن در این بیست و هفت روز جنگ چه شد؟ (۶۰ هزار رنجی است و شده اند که چه باید کرد؟ میسر آنرا اینکه رهبریهایی و برنامه های نیم بند ۲/۴ خاک آزاد شدی در لبنان را از دست دادند چه باید کرد؟ چه باید کرد در حالیکه دشمن در چند دهه تری در فترت مقاومت و جنبش ملی لبنان ایستاده است؟ چه باید کرد حال که تمام آزاد بیهای عمومی، و روزنامه های ملی و آزادیشان پایمال شده است، چه باید کرد حال که سلاحهای سنگین جمع آوری شده و بدست نیروهای اشتغالگامی سوری سربرنده شده است؟ چه باید کرد حال که ارتش آزاد بیخشی از لبنان کوچانه شده و مواضع ارتش عربی لبنان اشغال شده و رهبران دستگیر شده اند؟ حال چه باید کرد؟

تنظیم یک برنامه انقلابی \* برای مقابله همه جانبه و منظم در سراسر خاک لبنان و این مرحله را مرحلهی تدارک برای راندن آخن یک جنگ پارتیزانی در زمان تنگ و فشار به حساب آوریم، این است وظیفهی انقلابیون لبنان و فلسطین، این تنها راهی است که در برابر جنبش مقاومت و جنبش ملی لبنان باقی مانده است. طرد سیاست سازشکارانه و جنبش آفرین آزاد بیخشی و رهبری جنبش ملی و اتخاذ سیاست نسجم که توده های مردم ما را از دفاع منفی به دفاع مثبت کشاند، راهی است که در این شرایط سخت باید در پیش گرفت. فلسطی دشمنان نرد یک است که گردن مقاومت و جنبش ملی را در خود بگیرد، از جنوب لبنان بوسیلهی ارتش اسرائیل و نیروهای فاشیست فشار آورده میشود، از شمال بوسیلهی نیروهای سوریه و فاشیستها اینس طوق تکتک مستور و از وسط و از سراسر خاک لبنان نیروهای اشتغالگامی سوریه در حال فشار بر این طوفند و در چنین شرایطی، تنها جنگ پارتیزانی فرساینده در سراسر خاک لبنان، و زدن نیروهای نظامی سوریه به شکل منظم و پیگیر، در هر کجا که یافتند شوند، بگانه وسیلهای است که میتواند این طوق نظامی فاشیستی سوریه را از گردن مقاومت و جنبش ملی بردارد. تسلیم شدن پیلای به شروط رژیم سوریه هرگز نمیتواند انقلاب را از نابودی نجات دهد، بلکه مقابلهی انقلابی در کوه، صحرا و کشتزار راه نجات است.

حتی یک ثانیه نباید گذرد و بدو اینکه رژیم مستمندند هر چه اسلحهاست جایدی و نیروهای نظامی و مزدوران و دست نشاندگانش ننیده باشد. نباید زهری محسن، صاحب البید بری واحد جبریل باید جزای انقلابی و بی رحمانی خود را ببیند. نانوای رژیم لبنان به پاسخوشگویی سازهای روزمره و ضروری مردم ما باسند و وسیلهی تبلیغ وسیع در صفوف خلق قرار گیرد، و راه نجات از طریق سرکشی ساختن رژیم کمزور ویرانی و ایجاد دولت ملی و دموکراتیک بر مواضعی آن به خلق نشان داده شود.

حق حاکمیت لبنان که فاشیستها شب و روز آن حرف میزند، بطور بد وم و روزانه از طرف نیروهای اسرائیلی پایمال میشود، و این توده های مردم جنوب هستند که با گلوله و موشک در برابر آن می ایستند. تجاوز اسرائیل به لبنان باید وسیلهی کرد در برای تبلیغ وسیع در بین توده ها جهت قضای رژیم دست نشاندهی لبنان. رفتار و خصمانه ای که نیروهای مزدور اسد با وطبرستان لبنان و فلسطین میکند، در سنگریها و شکنجه های وحشیانه می که در زند آنها به زندانیان داده میشود، اینها همه باید وسیلهای باشد در دست ما.

"درباره" رحم آهالی ..  
اکنون در مقابل رژیم برترنزل و هراسان شاه، جاره ای مگر عقب نشینی نیست، طعمان رژیم تازه ترجیح میدهد که این عقب نشینی اجتناب ناپذیر برار مقابل جنبه های مخالف هیئت حاکمه و برخی محافل حاکمه آمریکا، با حفظ مصلحت رژیم برترنزل جهت حاکمه صورت دهد، و در عوض با متخرد کردن ارتجاع ایران به سرکوب بهشت توده و محکم نمودن موقعیت مجموعهی ارتجاع ایران ببرد آید. شاه به پیروی از این شرایط در تلاش برای مبصله دادن اختلافات دست بسته اتخاذ بیکرشته سیاستها و انجام برخی مانورهای تازه زد و است.

تلاش می جویند و توجیه حزب رستاخیز و دموکراتیک جلوه دادن حکومت فاشیستی دربار، در مرکز راست کارزار جدید رژیم شاه قرار آید، پیام این کارزار است که اساسا محافظان به جناحهای مارا ضعیف حاکمه و برخی محافل حاکمه آمریکا است، اینست که هنوز میتوان بدست حکومتی استبداد در بدترین جلوه های فاشیسم و استبداد آسمانی را پیشوا نشی ظاهر کرد، و مگرکراسی مخفی نبود. و اینکه میتوان در تحت حکومت دربار اختیار و با بیشتر برای جناحهای دیگر حاکمه امتیازاتی قائل شد. عمده ترین هدفهای دربار شاه را از این کارزاری توان چنین خلاصه کرد: یکپارچه نمودن هیئت حاکمه ایران بر مبنای روشی کردن محافل مختلف امیرالیستی آمریکا و اروپا، دوم - اشاعت اینکه باند شاه گنگاسان قابل اعتمادترین و کارا ترین یوکرا امیرالیسم در ایران است، سوم - فریب مردم و ایجاد شک و تشنه نسبت به استبداد فاشیستی حاکم بر ایران.

نگاهی به سیراقت اقدامات و راهبریهایی رژیم شاه در ماههای اخیر، اهداف بالا را بخوبی نشان میدهد: نخست اینکه در سرخرامیه های اخیر شاه و جیره خواریان درباری و نیز تبلیغات ساواک در جرابه، رادیسو و تلویزیون، تأکید شدیدی بر روی این مسئله است که در دولت تشکیلات حزب رستاخیز امکان اعلام مخالفت با دولت و امکان اظهار نظر در زمینه های مختلف وجود داشته بشرط آنکه در جرابه قانون اساسی باشد!! دوم - آزاد کردن گروهی از زندانیان سیاسی و به نمایش گذاردن شان در مقابل رادیسو و تلویزیون و خبرسنگاران جرابه در دست راستانی بزرگاری کنفرانس سازمان نفوسین الفلنی، در مورد تیر و احتیاج در ایران، و در زمانیکه بسیاری از جرابه آمریکا و اروپا درباری زندانیان و شکنجه در ایران مفاضل نوشته اند، هدفی مکتبیهی حربه ای بر روی توجیه و دفاع از رژیم شاه توسط سدا - نعین بین الفلنی باند شاه در آید. سراسیمگی رژیم تا آجاسرید است که خود شاه که قبل از متروک وجود زندانی سیاسی و اعمال شکنجه در زند آنها بود، بیکاره بوجود هر دو اعتراض کرده و فقط "دستور او" که "از اینس پس شکنجه کنند".

سوم - شاه که هنگام اعلام حزب رستاخیز مخالفت رژیم خود را تهدید به اخراج از کشور و زند ان می نمود، می گفت که "بازو هم شده این ملک را بسوی تمدن بزرگ خواهیم برد"، بیکاره لحن ملایم تری اختیار کرده و عملاً دست به عقب نشینی زده است، اعلام اینکه "بارا - حتم نمیشوم عنان قدر تارکی از دست بد هم" در قیقا در همین رابطه برای امید وار کردن جناحهای ناراضی و راضی کردن اربابان نگران در روشن شدن است. چهارم - طرح "سیاست کم کردن نقش دولت در سدا" و در طول برنامه ششم "بازو زدن همین رابطه است. دست دولت اعلام نموده که در رسالت آن، خانه سازی، ساختمان شاهراهها، پرورش و توزیع مرغ و مرغی رسته های دیگر را به بخش خصوصی خواهد سپرد و به علاوه از خارج نظامی خود در رسالت آن خواهد کاست، سیاست عدم تمرکز را دنبال خواهد نمود و بخش خصوصی را تشویق خواهد نمود. اعم از اینکه این کارها صورت بگیرد یا نگیرد، بهر حال صرف اعلام آنها نشان میدهد که هدف انقلابی برای آگاهانیدن و تشویق و سمعترین بخش های مردم جهت بدست گرفتن سلاح و جنگیدن با تجاوزکاران به خاطر لبنان ملی و دموکراتیک است. سیاست رفتن در دست ام سازش سیاسی که از طرف سازمان آزاد بیخشی اتخاذ کردید و بر سر نیروهای انقلابی آن آورده که آید، باید برای بگران در این راه جسورانه قزمزی باشد و باید که انقلابیون فلسطین با آسماهی انقلاب تاپیروزی و آزادی، خود امر خویش را بدست گیرند.

\* تضادی که در اینجا بطور اساسی مطمح نظر است، تضاد مابین انقلاب و رژیم حاکم در سوریه است، و روشن است که در این مقاله مسلطی برخوردار نیست. تضاد اساسی، تضاد ادعای صهرنومینستی نیست

در باره شاه در روی آست که قبل از بالا گرفتن "دعوی" در "بخش خصوصی" را بدست آورد و آنسرا مجدداً بگیرد - عملیات اخیر به جنبش انقلابی و کمونیستی و به ابوزیسیون مترقی خارج کشور نیز در چهار چوب همین افادامات صورت گرفته است. در همین مقالاتی که اخیراً توسط ساواک درباری گروههای سیاسی خارجیه در جرابه چاپ رسیده است، تلاش شد بوجانینی رژیم برترنزل رسد. جلوه دادن همین گروههای سیاسی، مربوط کردن آنها بایک کشور بی نام نشان خارجی، و تأکید بر این مسئله که این گروهها "پارتیزیسیم بین الفلنی" ار - نتاوط در اند" بر روشنی قابل رویت است. رژیم شاه هم از یکسو میخواهد به جناحهای دیگر هیئت حاکمه که ممکن است قصد زدن بیکی و استفاده از نیروهای ابوزیسیون و در نتیجه تشنه بد فشار باند شاه را داشته باشند، بگوید که آنها "تروپست" و کمونسیت اند و هم از سوی دیگر "پارتیزان" تروپست جلوه دادن نیروهای مترقی از این حکومت ترور و اختیاق خود را موجه جلوه دهد. ششم - در باره شاه برای کامل کردن این مانور تازه از چشک زدن به سوسیال امیرالیسم شوروی نیز فاضل نیست. در بسیاری از مواضع های اخیر شاه باخبرگان ایرانی، به این نکته که "از انشوری هم اسلحه می خرم" اشاره شده است. در مقابل سیز امیرالیستی که سکویی که اختلافات میان باند شاه و برخی محافل حاکمه آمریکا را بیع منافع خود مینماید، لحن دوستانه تری نسبت به در آورد ستی شاه پیش گرفته اند که با ارتش شاه با حی های کیف سفر سابق سکود را بر این رهنگام ترک تهران در مانده گشته است.

هدف شاه از این در مانع سیز نشان دادن نپاشوری اینست که صاحب حمایت نسبی آنها، باند خود را بعنوان نیرویی که قادر به کنار آمدن با شوروی می باشد، در پیش اربابان آمریکایی با اعتبار تر نماید. مجموعهی اقدامات اخیر شاه این هدف را در سال مینماید که با توجیه حکومت خود، باد ان برخی امتیازات به جناحها و عناصر ناراضی بوزواری بزرگ ایران و با اعلام اینکه اختیاق و ترور تنها متوجهی کوم - سیستها و "تروپست"ها و سایرین از مگرکراسی و آزاد و در حزب رستاخیز خود آید، بار بار بگره زدن حاکمه ایران را بشکافد و بر اینبار خود متوجه کرده و با نقل برنامه ها و طرحهای تاریخی کار تروشگرانه اختلافات موجود با سالی داده و بگربار نشی قدیمی خود را بمسوا ن عهد ترین میراثی امیرالیسم و حافظ اصلی منافع آنها و ظفقات حاکمه در ایران، پیمان شکل سابق بد نسیال نماید. اینکه شاه در ریاض به عنوان یکی از خبرنگاران خارجی، عارضه لا به می کند که "جه گمی سترانزمن - میتوان اینکارها را انجام دهد؟" در دست شناسی همین تلاش شاه در حفظ مصلحت خود در برابر ارتجاع حاکم برکشور ماست.

سیاستها و اقدامات اخیر شاه، پردی اول نمایش - نامی جدید در آورد ستی حاکم بر ایران است. اینس عایشامه زمانی آغاز شده که گنگور رستاخیز علامه تده بد خوده است. پیشک باید در انتظار بود که هسای جدی ترین مایش هم بود و برای مقابله با آن در از بد، اینکه پردی بعدی نمایش شاه - آمریکا خواهد بود و اینکه شاه از چه راهی وضعیت خود را با سیاستها و برنامه های امروزی امیرالیسم آمریکا و سیاستان تازهی کاخ سفید تخلیق خواهد داد و وحدت مجدد د هیئت حاکمه ایران تحت چه شرایطی و از چه راهی صورت خواهد گرفت و جایگاه و ربار در آتیه کجا خواهد بود، سائلی نیستند که از هم اکنون بتوانند نسبت به وقت پیش بینی نمود، اما احارات میتوان گفت که شرایط ارتجاع ایران بحرانی است و احتمال متوسل شدن شاه بهر حربه و سیاستی برای نجات باند خویش بسیار زیاد آنچه که صورت گرفته تنها آغاز این اقدامات است.

آنچه که برجش میسر نموده مردم واجب است، اینست که حرکت رژیم را دم متحد ساختن دستجات حاکمه بگرد سلطنت خود درک کرده و تشخیص دهند که وفه ها و ادعاهای دموکراسی و غیره خطاب به مردم و برای آنها سود، و مگویی داخل هیئت حاکمه است. در همین ماهرگز رخت رژیم سلطنتی شاه، نیچسه د مگرکراسی بوزوواتی نمیتواند بوجود آید. سرکوشی در باره شاه بدست توده های مردم، پیش شرط هرگونه دموکراسی در کشور ماست.

در این حال باید قریب مخالفتهای بوزواری بزرگ ایران، این اسدگان و دلان امیرالیسم را که دست کسی از باند شاه در اند خود - مردم ما و همسایه نیرو های جنبش ما باید آگاه باشند که تنها زمانی بساط زور - کوبی و استبداد برچیده خواهد شد که به تنها شاه و

در آورد ستی خوشتن، بلکه همین دستجات خانگی که همراه باشاه در ربروبال در ان و تحکیم استبداد نشیستی بیلوی کوشیده اند و امر وزید روغ و موند باند درگوشی میکوشند مخالفت خود را با سیاستهای گنگاشد و حال به برخی نیروهای ابوزیسیون تلقین کند، نام شونند و ایران بدست توده های مردم را در آرد نمود، در جمی شراطی، اما همه تشنه بد مبارزه در سرکوشی رژیم شاه و کسب آزادی سیاسی وظیفه سخت، مردم ماست.

اقتصاد ایران ..  
تاثیر نفوری و مستقیم افزایش درآمد نفت، افزایش نسبی مالی حکومت ایران بود، تا جائیکه حساب دیوازنی ارزی کشور در سال ۱۳۵۳، بیسی بخشین - پس از افزایش قیمت نفت، مازادی میزان ۸/۲ میلیارد دلار را گزارید. و در ای های ارزی کشور که در ۱۳۵۲ (۲۱ میلیارد دلار) و در ۱۳۵۳ (۲۱ میلیارد دلار) بالغ گردید. به اعلان سیه و امکانات عظیم مالی حکومتش رسید درآمد دولت نمیتوانست کوچکترین بهره ای برای ایران و مردم فرزند و مستعد بدی مانده داشته باشند نه اقتصاد سرپا ایاسته و عقب افتاده ی ایران امگ آزاد است که از این درآمد بهره گیری و به حکومت تبهکار شاه میخواست و نمیتوانست کوچکترین گامی راه منافع واقعی مردم ایران و رشد اقتصاد کشور برد همین سبب هم برخلاف جنبشهای تبلیغاتی رژیم و ریزیونیهتها و نیز مخالف تصورات واهی و نار - نیروهای در روز، جنبش، کشتی اقتصاد ایران که غرضی تبلیغاتی برای در بردیدن هفت در بیاد، افزایشت بود، در دیای واقعیت زود تراز آنچه است میرفت به صخره اصابت کرد.

نخست اینکه رژیم سرسپردی شاه که هیچ هدفی نگرختن بد امیرالیستی جهانی نداشته اند برای کمک به اقتصاد ارد وی جهان سرمایه داری باره در های کشور امروزی واردات و بخلبهای خارجی بازنمود و در مقابل هجوم گسترده ای از طبقه صنایع داخلی آغاز کرد، بطوریکه در طی یکسال واردات ب سبتها و برابر افزایش یات و به رقم سراسر ۳ میلیارد دلار بالغ گردید و در اینجا هم توقف نکرده سال ۱۳۵۴ ارزش واردات کشور به رقم بیسیافتی ۳/۵ میلیارد دلار رسید، یعنی در سال قبل ارزش واردات ایران ۲۶ برابر صاد رات بوده است.

دوم - این رقم صرف نظر از بول عظیمی است که در دستهای شاه برای خرید اسلحه و انجام نقش زاندهی امیرالیسم در خاور میانه و خلیج فارس ایاست سازمان امیرالیسم آمریکا و بگرن ریخته اند. ساس معاسفی ساده و میتوان بی برده که از ۶۲ میلیارد در آمد نفت در طی ۳ سال ونیم اخیر از او اخرا صل تا پایان سال جاری (بیش از ۳/۵ میلیارد دلار صر خرید اسلحه، بزد اخت در ستمز های سنگین کارشنا و مریان نظامی امیرالیستی، ساختمان پایگاهها، ساختمانهای متعدد نظامی، لشکرکشی تجاوزکارانه به عمان و ساختن مجتمعههای تعمیر و ساخت اسلحه گردیده است.

سوم - راه د بگره رژیم سرسپردی شاه برای خدمت به جفاو لگران امیرالیسم و نجات اقتصاد بحر زنی می آنان پیش گرفته، افزونی سخوری کمک اقتصادی و وام و اعتبارات به کشورهای بحرانی زد می عز و نیز به آن دسته کشورهای عقب افتاده ی آسیای آفریقایی است که آمریکا بم نظر تحکم نمود خود پای پای برای نمود بیشتر، برخی تصهات مالی به آنسرا نقل نموده است. گزارش سالانتهی بانک مرکزی در مورد سال ۱۳۵۳ (میتویسد: در ریایان سال محصو تصهات دولت برای این قبل برد اختیابا حد و ۱۱ میلیارد دلار روجه برب اختیابای دولت بسه ۴/۳ میلیارد دلار رسید. بر طبق گزارش سالانتهی همت بانک در سال ۱۳۵۴، بیش از ۲/۴ میلیارد دلار بد از این تصهات برداخت شده و تا یزمانی ۴۱ میلیارد (۱۹۷۷) گزارش میدهد که میزان برد اختیابا سالیانه ۱/۴ میلیارد دلار میرسد. بعبارت دیگر طی سه سال، رژیم مبین فروش شاه، در شرایطی که مردم ماد فقر و فلاکت بسر میرند، بیش از ۱۶۰ میلیارد دلار، یعنی حدود ۱۰ (برابر بود چی سالانتهی بهد اشت را بمسوا ن کمک بکشور های در بگردانده است بدلیل همین اقدامات خیانتکارانه، دولت شاه در ریایان سال ۵۴، بطور عمده درآمد عظیم نفت با کمزورمانی براختی و ارزی مواجه گردید. مجلهی تهران اگر نومیس (۲۶ مهرماه ۵۵) گزارش میدهد که رژیم سرسپرد

موازنه ارز کشور که در سال ۱۳۵۳ برابر ۱/۵ میلیارد دلار درآمد بود، در سال بود گزارش (۵۴) بایک میلیارد دلار کسری مواجه شد و به همین میزان درآمد های خنجر کشور نیز کاسته شده است.

همین جمله در شماری از ۳ ماه خود اقرار می کند که برخی رانسائنهایی اقتصاد ایران در سال گذشته موازنه بازرگانی کشور را (صادرات کالا، خدمات و نفت ازی که سو و واردات کالا خدمات و اسلحه ازی سوبی دگی بیش از ۴۷ میلیارد ریال منفی کرده و در نتیجه تا خاطر ازری ماراد ماراز ۷/۱ میلیارد ریال ۶ میلیارد دلار باین آرد است.

اینچنین است و موازنه موازنه بازرگانی و ازری کشور در سال ۱۳۵۴. اما در سال جاری وضع از ایهم خرابتر شده است:

نخست اینکه در سال جاری، سیاست تسهیل گزاری وارد کردن تسهیلات امیربالیستی برای کمک به اتصا بحرانی و بی کشورهای میزب همچنان ادامه یافته است. بر اساس آمار دفتر آمار و امیرین الطلی گمرک ایران در طی ۸ ماهی اول سال جاری واردات ایران به ۹/۹ میلیارد دلار و صادرات غیرنفتی به ۲۸ میلیون دلار بالغ گردیده است. معبارت در یک طرفی ۱۸ ماهی اول سال جاری ارزش واردات کشور ۲۶ میلیارد ریال بوده و نسبت به مدت مشابه سال قبل، ارزش واردات نسبت به صادرات ۲/۱ میلیارد دلار افزایش یافته است.

کېهان ۴ دیماه پیش، بی می کند رقم واردات تا پایان سال جاری به (۱ میلیارد دلار) بالغ گردید. در حالیکه بررسی آمار غیرمسی آمده در مجلسی تهران آگونیوست، نشان میدهد که ارزش واردات کشور هم اکنون از میزان رقم گذشته است.

دوم اینکه، خرید سرسام آور اسلحه و صرفی میلیاردها دلار برای مخارج دیگر نظامی همچنان ادامه یافت. مثلا خرید غیرمی خرمیه هند که تسهیل طرفی ۴ ماهی شهریور تا آذرماه سال جاری، جمع ریخت و پاشیهای نظامی دولت ایران و ارزش سلاحهایی که دولت ایران خرید نشان وارد پذیرفته شده است، سر به ۱۰ میلیارد دلار میزند. و این استریت ژورنال ۳۱-سپتامبر گزارش میدهد که ایران تقاضای خرید ۱۶۰ هواپیما جنگنده ای اف-۱۶ شرکت جنرال دینامیک مبلغ ۳/۴ میلیارد دلار به ۲ برابر معسی ۳۰۰ فروند هواپیما یاد شده و افزایش داده است.

تفقدنی ژنرال فین، پیشنهاد خرید ۳۰۰ هواپیما مسی اف ۱۶ در نخستین نشست اجلساتی که برای در خواست بزرگ دری، خرید ۸۰ هواپیما اف-۱۴ -۴ هوست گرومن بیهی ۲/۲ میلیارد دلار تشکیل گردیده بود مطرح شد! هالند تیمون ۲۵ سپتامبر میگوید: "ساتور هوست هفتی امروز فاش نمود که ایران خرید ۲۵۰ هواپیما اف ۱۶ را علاوه بر ۳/۴ میلیارد دلار اف-۱۶ در نظر دارد. علاوه بر مخارج نظامی همین جمله در اکثر گزارش میدهد که ایران فرانسه قرار ندی به ارزش ۳۸۰ میلیارد دلار برای طرحهای فرانسی که بویژه شامل ۱۲ نیروگاه آبی است احداث گردید. زگفته است که مجلسی میزین و یک ۱۱ سپتامبر نوشتن ایران جمعا سفارش خرید ۲۸ میلیارد دلار نیروگاه های به ایالات متحد، آلمان غربی و فرانسه داده است (و اینها تنها گوشه ایست از مخارج نظامی و دیگر ریخت و پاشیهای رژیم شاه و یکی از راههای متعدد ریختن ثروت مردم ایران بیای خوگان امیربالیسم.

نتیجه اینکه در پایان سال جاری با توجه به کسری شدن در درآمد نفت ایران، وضع موازنه بازرگانی و ازری ایران به ادعای پیش است. اگر چه در وقت هیوید ا به فرمان شاهنشاهی، درآمد روزی در لاری کسین واقعیت اینست که بار در نظر گرفتن صادرات نفت، موازنه بازرگانی کشور رسال جاری حد اقل ۱ میلیارد دلار منفی خواهد بود. مجلسی میزنس و یک (۳۱ ژانویه ۷۷) میگوید: "در سال مالی جاری، واردات شامل خدمات و مسائل نظامی باید به ۸۵ بیلیون دلار برسد. بدین ترتیب اگر رقم ۱/۴ میلیارد دلار بر د اختصای دولت باست و ام اعتبارات کشور های دیگر، بیش از یک میلیارد دلار بابت مخمرات و مخارج کشمتهایی که در انتظار نمود در آیند را ایران ماهها بیستاند و نیز مالیاتی را که در وقت باید بابت اقساط وامهای خا رچی خود بدد به ارزش واردات که قطعاً بیش از رقم یاد شده و در بالا ست بیافزاییم، جمع برد اختهای ازری دولت در سال گذشته حد اقل یک میلیارد دلار بیش از دریافتهای ازری (عدت درآمد نفت) خواهد گردید. و بدین ترتیب در پایان سال جاری نیز کمبود موازنه

برد اختی و ازری مواجه شده، گامی دیگر سوی خالی کردن انداخته ازری کشور و در نتیجه افلاس و ورشکستگی نهایی خواهد داشت.

۲- با وجود درآمد عظیم نفت، وضع دولت از نظر اعتبارات را اگر چه کاراند ازان هیئت حاکمه اعلام نمیکند، اما از یکرشته واقصبات و نیز از بلای حرمهای دریاریان و برنامه بریزان حکومت شاه بخوبی میتوان حدس زد. نخست اعلام کسری بودجه در رسال متوالی، یکی در سال گذشته مبلغ ۱/۷ میلیارد دلار و یکسری در امقند سال جاری مبلغ ۱/۷۵ میلیارد دلار، بارز- ترین شاخص وضع خرسی مالی دولت است. کارگران هیئت حاکمهی ایران در هنگام تشریح بودجه سال ۶۶ اعلام کرده اند که برای تامین اعتبارات برنامه ها دولت در سال آتی مالیاتهای غیر مستقیم به مردم را افزایش خواهند داد و کسری بودجه را نیز از طریق فروش ایزی فرضه تامین خواهند کرد. ولی غیرمعمول این حق بازنهوا افزایش فشار اقتصادی به تود میروا واقعیت گمان ناید بریکه در نگاه نخستین به بودجه سال آتی چشم منحورد، وضع خراب دولت از نظر مالی است.

دوم- در طول یکسالگی گذشته، دولت شاه به دلیل کمبود اعتبار بسیاری از تسهیلات مالی خود را بصورت نفت برداخت کرده است. نفتی که شاه شید و هنگام غا غریب در مورد فواید خرید میلیارد ها دلار نیروگاه آبی "ماده حیثی" خوانده و "صرفاً" بویژه "خرید جنایت خطاب کرد. مجلسی میزنس و یک در شماری از ژانویه، چند نمونه گزارش رژیم برای برداخت تسهیلات از طریق نفت را چنین ذکر میکند: "کسری آلان سراجام قبول کرده است که در معادل ۱۳۰ میلیون دلار ارزش مسائل تسهیله و دوبر مس معست دریافت کند. شرکت هواپیماسازی انگلستان در ازای ۷۰۰ میلیون دلار "ویژن" رایبر، مدت ۵ سال روزانه ۱۵ تا ۲۰ هزار بشکه نفت دریافت خواهد نمود. بزرگ ترین مساله مالی این نوع، معادل ۱/۵ میلیارد دلار با شرکت Shell ایتالیا برای ساختمان یک کارخانه پولاد و ورق سازی است. همین این معاملات همراه با تلاش رژیم در جایگزین کردن نفت بجای پول در برخی معاملات خود با شرکت های آمریکایی که البته هنوز به جای برسد است، حاکی از کمبود اعتبارات مالی در دست رژیم و نشانی وضع خراب حاکم بر اقتصاد کشور است.

سوم- کسری اعتبارات بجای رسیده که در طی سال گذشته دولت از بسیاری شرکت های خارجی می خواهد که خود بخشی از اعتبارات مربوط به پروژه ها- نشان در ایران را اساساً تسهیله نماید مثلاً شرکت Knudsen آمریکایی و یک شرکت فرانسوی برای ساختن یک شاهراه ۵۰ کیلومتری در ایران سرج ۷۰۰ میلیون دلار، خود مجبور تسهیله اعتبارات لازم برای آن کرده اند. گمانتی مجلسی میزنس و یک ۲۱ ژانویه، به بسیاری شرکت های خارجی گفته شده است که در صورت تسهیله نکردن بخشی از اعتبارات لازم پروژه های موافقت شده به دولت ایران به دلیل کسری اعتبارات قادر به انجام آن پروژه ها نخواهد بود.

چهارم- در حالیکه دولت هیوید اهای و هو ی فراوانی در سال ۵۳ اعلام نموده با اختصاص ۱/۳ میلیارد دلار برای تسهیله به بی های خارجی دولت، بسیاری از وامها را حتی بی از نمودن سررسید آنها برداشت کرده است و در نتیجه افزایش درآمد دولت به نفع بالا رفتن قیمت نفت، میزان وامهای خارجی را در رسال یاد شده به ۲۰۷۵ میلیون ریال رسیده است. باز بدلیل خرابی وضع اقتصادی و کم شدن اعتبارات در سال ۵۴ و ۵۵ مجدد دست بدامان بانکهای خار جی شد. وامهای خارجی دولت در طی این دو سال ترتیب ۱/۱ و ۱/۲ میلیارد دلار بوده و برای سال آتی آن نیز ۱/۴ میلیارد دلار وام خارجی در بودجه منظر شده است. کسری اعتبارات در سال قبل بجای تسهیله که دولت بدین وام از خارج قادر بود برداخت تسهیله خود به پاره ای شرکت های خارجی بود. در یک مورد مجلسی میزنس و یک گزارش میدهد که "یک وام پانصد میلیون دلاری از کسری سیوم ۱۱ بانکی باید به ایران کمک نماید تا بر د اختهای عقب افتاد بی قطعه کاران و صادرکنندگان محصولات خارجی رایبر ارد (۳۱ ژانویه)

همی ایسنا نشان میدهد که وضع اعتبارات دولت ایران، غلیظ نمودن درآمد کلان نفت و بیوخاص است. به همین دلیل هم بسیاری پروژه ها که قبل از برو آن موافقت شده قسماً کذب شده یا تسهیله افتاد است.

و حتی برخی پروژه ها مانند مجتمع نظامی جاه بهار نیمه کاره ها شده است. کم شدن احتمالی درآمد نفت در سال آتی که خود دولت نیز بدان اقرار دارد و وضع از اینهم خراب تر خواهد گردید میگوید و کسادی که مد آگون بشود بار میزند است که خواهد نمود.

۳- تنها وضع اعتبارات دولت نیست که خراب است. وضع اعتبارات در همی جامعه شدت و وخیم است و بی پولی در بازار و در دست سرمایه داران بییداد میکند. مجلسی تهران آگونیوست در ۱۱ دیماه می- نویسد: "چنانچه در شماری اخیر نوشته ایم، بی پولی و نبود برخی از مصالح کل بی پولی یکی از مهمترین سائل روز بازار و باز رگانان و صاحبان صنایع اشتکل میبد شد. بدلیل وضع را که اقتصاد است که بانک مرکزی بخلاف سیاست اعلام شده اش در آغاز اسامال، یکراه درسی- ماه تصم گرت حجم اعتبارات بانکهای کشور را تطبیله دهد. بر طبق سیاست جدید، حجم اعتبارات که در ماهی آغاز سال از رشدی برابر ۴۲٪ نسبت به مدت مشابه سال گذشته برخوردار بوده است، در ۳۰ ماهی آخر اسامال به ۲۰٪ تنقل داده خواهد شد. بانک مرکزی ضمن اعلام این منقل از فرموده است که چنین سیاستی بالطبع حجم اعتبارات برای سرمایه گذار ری در کشور و صنعت را کم خواهد کرد و کیفیت کسری نداند که شدن این اعتبارات و سرمایه گذارها چه تاثیر شدیدی بر روی وضع خراب کشاورزی و صنعت کشور خواهد کرد. بعلاوه تهران آگونیوست ۱۶ سپتامبر میگوید: "تائینا تصم دولت، صرفه جویی و تطبیله عایدات نفت و تصم فوی الیکر (کم کردن حجم اعتبارات بانکها) خواهی خواهی حجم سیرد هارا باین میاور و با اظاف رشد آرتابلیله میبد.

تازه خود در وقت اعتراف دارد که در سال گذشته و سال جاری بازه های صنایع سدت به اعتبارات و سرمایه گذارها نسبت نگذشته بازهم باین تراءد است. هر بی تهران آگونیوست، بعنوان زبان "شاکسی" سرمایه داران بزرگ گمراورد با بی پولی "بخش خصوصی" افزود میگوید: "تولیدات صنعتی در سال گذشته متناسب با افزایش کمبود اعتبارات همان سال بوده و کرد رسال جاری این کمبود جبران شود." (۱۷ مهماه)

همین جمله در شماری ۳۰ سپتامبر خود می- نویسد: "بایک گاه احتمالی که بوضع معاملات بازار مکیم مشاهده میشود که بهمن ماه سال جاری با سپمن سالهای قبل تفاوتهایی پیدا کرده است یعنی آن گرم و حرارت سالهای قبل را بداند." همینجا باید افزود که به افار همین مدله را سالی قبل نیز خرد های نیروزی، بازار از کرمی بیشتری در سپمن ماه نسبت به سایر ایام سال برخوردار است و "در سپمن ماه حجم معاملات مراتب بیشتر از اتمند ماه است." (هماجا)

یک نمونه از این وضع خراب اعتبارات در بازار، در اطلاعات ۸ اسفند گزارش داده شده است. از قنار یکی از "مانندگان" مجلسی در هنگام گزارش سالانه بانک مرکزی نوشتن: "میزان برقیس بانک، از روی سئوال کرده که چرا یک اعتبار ۲۰۰ هزار ریالی در یکی از بانکها بدلیل کمبود اعتبارات مذکور، تمدد می نشده است. رقم نسبتاً کوچک اعتبارات کورشان میدهد که وضع تاجده با یک خراب است. "بقول معروف "تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل".

کساد بازار کم شدن حجم اعتبارات، تیره و تار بودن در وهامی آینه اقتصادی کشور برای بیروژوایی، درد و سالی اخیر، و سالی که کاراند ازان و تسلطای- جیان حکومت بعنوان "سالهای طلایی رشد" اعلام شده اند، سالهایی که ظاهراً باید بدلیل افزایش ها در درآمد نفت بیش از هر زمان دیگری برای بیروژوایی بزرگ و سرمایه گذاران خارجی امید بخش و بر سوب تشخیص داده شود، محک بدلیل وضع وخیم بحرانی اقتصادی، سالهای فراسرمایه از کشور است. در طی دو سالی اخیر صد هاسرمایه دار بزرگ و کوچک، بخش عظیمی از سرمایه خود را بطریق گوناگون سرج بخش نموده اند و هزاران تن دیگر رجستجوی راه راهی اند که هر چه زود تر ارای و کارخانه های خود را به پول مبد ل کرده، بخارج ایران فرار نمایند. مجلسی میزنس و یک ۳۱ ژانویه میزان سرمایه های خارج شده در سال گذشته را رقمی بین ۲ تا ۴ میلیارد دلار ذکر میکند. پاره ای از سرمایه گذاران شرکت های خارجی نیز او- ضاع ارا سمساده شخصند ارد، سرمایه خود را از بازار خارج کرده اند. مثلاً شرکت بی، اف. گودر بیچان سه سال ضرر، سهام خود را در رسال جاری فروخت و شرکت ایران و کالیفرنیا سرمایه خود را از کسرت و

باغصبانیت به این واقعیت اعتراف کرده و البته شهادت عت آرا "بهیون و مسائل این شرکتها" ذکر نموده است. واقعیت ومطالع که گاه جست و جویی بجا رسید ارتجاع ایران نیز در زمینه های کار نیست که سیاست تسهیل گزاری بازرگانی بی بند و بار در راههای کشور برای کالا های بنجل خارجی، باقیمانده صنایع داخلی را نیز سوی ورشکستگی میرد. تهران آگونیوست- میست از زبان یکی از مدبران یک کارخانه کامیون سا زی می نویسد: "حقیقتاً ما به سیاست دولت و بازار پسر از اطمینان نداریم. اگر امروز ادعا به سرمایه گذار ری بیشتر تکمیل و تولیدات خود را با لایه ترسیم، هنوز رسوب این سرمایه گذار دولت و پیمانهای جدید شخصی نشود - بدید میشود که دولت بی آورد کامیون را آزاد کرده و بی ضوابط تازه ای در کار واردات انوموبیل به اجرا گذار شته میشود. " (۴ دیماه) همین "بی اطمینان" به "سیاست دولت و بازار ایران" است که عده ترسیر بقض برادر فراسرمایه های بیروژوایی به خارج و تعطیل شدن بسیاری کارخانجات بازرگانی است.

بازی، آنچه که در بالا گفته شد، اگر چه بدلیل کمبود آمار و فرام و نیز گزارز تبلیغات در روئین کاراند ازان سرچناسان ارتجاع ایران، در برگیرنده همی جوانب اوضاع اقتصادی ایران نیست، اما بهر حال بیاد این واقعیت است که وضعیت مالی و ازری رژیم روز بروز بدتر میشود، بی پولی و کمبود اعتبارات چه در دست و در دست "بخش خصوصی" هر روز چشمگیر میگردد سخن کوتاه اینکه اقتصاد ایران با شتابند در سراسر اهر بخشهای خصوصی و دولتی و عافلس بهره میبرد. و با وضع بحرانی و بیوخاصات بار، مشخصی اقتصاد ایران است. "شکونایی روند" که کارگران رژیم تسهیل شاه ازان دم میزند.

این وضعیت وخامت بار اقتصادی، خاصه جنبه کساد ی بازار کم شدن سریع و شدید اعتبارات، بدیگ سار این استنتاج کارگیمیتمی رایبه نبوت سرمانده که بیو کلان و میلیاردها دلار در وقت، فار به نجات یی- اقتصاد ورشکسته و وابسته نبوده و حتی پاره های خشید ضاات نسبی روند استحکام بدان راهم ندارد، وضع اقتصاد ایران از هنگام افزایش سریع درآمد ناشی از بالافتن قیمت نفت، به تسهیل ترشد و بلکه رییوخوا مت گذارده است و این سرنوشت اجتناب ناید بر همت جوامع سبه مستمره و نیمه فئودالی است.

خلاف تصور راست و استنتاجات انحرافی گروه های ازمحش گمونیستی و انقلابی ایران، رژیم شاه نه در حال تثبیت موقعیت خود بلکه در سراسر سوب و ورشکستگی است. این تصورات نادرست بهر از هر چیز از دم درک این واقعیت سرچشمه میگردد که معدود پتیهای ناشی از وابستگی و عقب افتادگی اقتصاد ایران که خاصه بدلیل وجود رژیم استبدادی- سا- میستی در اس وقت وقیضه شدن اساسی ترین ارگا. اقتصاد جامعه در دست سرمایه دار بیروژوئات و ولت شدت میابد، امکان استفاده و بهره برداری از درآمد عظیم نفت را نداشته و ساجار آرا در رجاری نظامی غیرتولیدی و حیف و میل کرده و بیابه جیب مفت خور ا در پاری واریا نشان میریزد. در جنبش گمونیستی، انقلابی ایران، رفقای بسیاری تحت تاثیر تبلیغات اقتصاد خراب رژیم، افزایش درآمد دولت و پروژه های ضد ملی و فخری و نظامی حکومت را بدلیل وضع شکنج شدن رژیم دانسته و پیروپایی همین استنتاج یاد رسیده ماروزی سیاسی رژیم شاه در شرایط کنونی کم بهامید هند.

ما بعکس، براین باوریم که در هیچ دوران دیگری از زندگی سگین بیوخیات رژیم "انقلاب سفید"، این رژیم تا بدین پایه دستخوش بحران و تناقضات داخل نوده است. و در هیچ زمانی، مانند امروز، امکان سر- نگوی رژیم تسهیل گراش تا این درجه بالا رفته است آنچه که افزایش درآمد نفت و در نتیجه افزایش درآمد دولت صورت داده، صرف نظر از شدید سیاست نظامی گری و خرید میلیارد ها دلار اسلحه و نیروگاه آبی و غیره مگر شدید تناقضات ذاتی ارتجاع ایران، متزلزل تر نمود موقعیت آن و هر چه بیشتر تکدی کردن اقتصاد کشور به نفت و در نتیجه تسدی به ضعف بخشهای دیگر اقتصاد کشور بوده است.

ایسناست که واقعیت غیر قابل انکار اقتصاد کشور ما ست، نه تثبیت و تحکیم، و درست در چنین شرایطی نیز ترک کردن مبارزهی سیاسی بر طبقه حکومت سازما- دران متحد آلمی یک بیگاری سیاسی توده ای محظوب بر اید اختن فوری رژیم استبدادی- فاشیستی محمد ضابطی، اصلی ترین وظیفه جتنی ماست.

... که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است!  
ماذ محرم سال هم چون سالهای گذشته ،  
بر اساس یک سنت مذهبی ، ایام عزاداری و تبلیغ  
مرام شهادت حسینی بود . با این تفاوت که  
امسال به سائلی چند که بیاگرمبارزات مذ-  
هبی - سیاسی بود تاکید بیشتر شد . امسال به  
عیان میشد دید که سعی میشد تا از خرافات و هم-  
چنین از یک سوکوری بی مفهوم و بی معنی جنوگرگ  
شود . در مقابل آنچه بر آن تاکید میشد عبارت بود  
از جهاد بمعنی نبرد در جهت بر آوردن و حراست  
آرامشهای انسانی و نابودی منشأ ظلم و ناانحصاری-  
های جامعه بشری . شهادت تامرگ سرخ والاثرین  
افتخاریست که نصیب انسانهای حق طلب میگردد . به  
بر روی پیروتهای دستجات ، یک چنین اشعاری را به  
وفور میشد دید :  
بزرگ فلسفی عدل شاه دین این است  
که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است  
حسین مظهر آزادی و آزاد بیست  
خوشا کسبیکه چنین مرام و آئین است  
نه ظلم کن یکمی سی بزیر ظلم و بسرو  
که این مرام حسین و متضادین است  
امسال هم باز مرام این نوع تطاهرات ، مطه  
های پائین شهر بود . در روز عاشورا اکثر ستف-  
جات بسوی مرکز تهران و ناحیه بازار روانه شدند .  
در روز اول ماه محرم ، یعنی قبل از روز عاشورا ، در  
اکثرتیکه گاهها مساجد ، واعظین مترقی و مسئول  
باشخراشهای خویش ، که اکثر اید و شک از نظرو  
گاههای مذ هبی صورت میگرفت ، مرام راه محرم  
و وظایفشان آشنا میگردد . معمولاً به این موضوع  
هائیکه میگردد ، عدالت نیست ، آزادی نیست ،  
انسانیت نیست ، ویک کلام زندگی بدست در مقابل  
بل ظلم هست ، باطل هست ، یزید هست و دنیاست ،  
جولا نگاه نامرد مان میباشند . بایک چنین مقدمه  
چینی ، معمولاً دلیل شهادت حسینی و مرامز حسین  
برای حریت و زیر بار زور زنی تبلیغ و تأیید میشد . وقتی  
مردم را مشور میگرفت و از حالت فلسفی فرنگدگ یمن  
چه و فراموشی " استعمار و ارتجاع بیرون میامدند ،  
آنگاه چراغها را خاموش کرد و دستجمعی نوحه-  
های عزاداری را به همراه برخی شعارهای مترقی

یک نمونه از این شعارها چنین است :  
اعلامیه از فنگه کرب بسلام داد  
بازینب وسجاد سوسی شام فرستاد  
این جفته ز خون بود در آن نشریه سسطور  
باید بشراز قید اسارت بود آزاد  
و یاشمارهای متداوم چون : " اصل دید  
جهاد است " و " گوید الگویت الف ؟"  
جالب اینجاست که اکثریت قریب به اتفاق  
کسانیکه در این مراسم شرکت داشتند ، از طبقات  
محرور جامعه بودند . اکثریت عزاداران کارگروند  
و معدودیکه نقش رهبری را به عهده داشتند ، کاسب  
کار و یاسودگران خرد و یای بازار بودند . ر و ز  
عاشورا از ساعت ۱۱ الی ۱ بعد از ظهر ، بازار تهران  
شاهد اوچگیری این تطاهرات مذهبی - سیاسی  
بسیرو  
در زیربونه هائی از شمارهای روز عاشورا آورد  
میشود :  
من حسینم بر فراز کربلا بر چه زرم  
نقشه های شوم استعمار بر بزم  
دین ز خون محکم شود - هجوگل حرم شود  
تشنه ام تشنه غیرت و صلح و ولاتم  
بهر خلق جهان گشتی راه نجاستم  
از تشنه کامی ، در الستهبام  
شد زنده اسلام ، از انقلابم  
گره آزاد ه ای بیرون کن از قیام  
درس آزادی را بگیر تراز مراسم  
الگوئی عدل راه نجاست  
شد زنده اسلام از انقلابم  
تاز خون توجهائی شود از بند آزاد  
بسر آید هی انسانی خود جان دادی  
در ره کعبه فتنه و وفور با داری  
آفرین بر تو که فتنه و وفور با داری

حرب بوده در راه فریب کارگران  
رویز و پیوسته های کمیته مرکزی حزب توده ، علاوه بر  
آب و جارو کردن اتحادیه های " کارگری " رژیم و تشویق  
کارگران شرکت را آنها ، در مورد مجامع و سازمانهای  
ضد کارگری و یگر رژیم نیز یعنی همین کارگران را میگرداند  
یکی از این فتنه سازمانها ، تشکیلات است بنام  
" سازمان کارگران ایران " است . اصلا این سازمان و مشتاق  
افراد نوپن و متعدد از طبقه کارگر نیست که با خود را به  
ارتجاع فروخته اند و با فریب رژیم را خود را و به امید  
واهی جلب این سازمان شده اند . اینکه رژیم شاه  
همه کارگران ایران را رضو این " سازمان کارگران اعلام  
کرده و مدعیت این سازمان ۴ میلیون عضو ارد ، مثل  
در غای کفیت در برابری مبنی بر خصوصیت همهی مردم ایران  
در حزب فاشیستی رستاخیز است . بهر حال این سازمان  
همه چیز هست که سازمان کارگران ایران .  
این " سازمان کارگران " ابتدا وابسته به " حزب ایران  
نویس " بود ، بعد از پیروز حزب رستاخیز و ترحالاً هم  
مذتی است برای عوامل فریبی ظاهر " مستقل " از آن حزب  
است ، اما گمانگاره و " آزمون زیر بار و جمعی از  
کاربان از این رژیم ، اعضای شواری عالی آند . که این خود  
میزان کارگری بود این سازمان را هم نشان میدهد  
بسیاری از کارگران پیشرو ، به ماهیت سواکی ایسن  
سازمان بسوی آگاهند وغالب کارگران از روی تجربه ای  
خود شان چشم امید بدین سازمان ندارند . تلاش  
تسلیماتنجاب ساواک هم اینست که به انواع وسائل  
کارگران را نسبت به این تشکیلات با اعتماد کند و آنها  
را به شست ها و مجامع این لایف ساواک جلب نماید .  
شاید این کمیته مرکزی نیز همزمان با کارگزاران و  
معاون ساواک برای آب و جارو کردن این سازمان و  
تشویق کارگران شرکت در آن تلاش میکند ، در رسانه  
ماهیت این تشکیلات در روح بافی میکند و شاید اسره  
آتراسازمانی واقعا کارگری معرفی میکند .  
مابعد این ساله که کمیته چپها هیچ اشتقا  
جدی به این سازمان ندارند خواهیم برداخت . در  
اینجابه بیست به این نکته اشاره کنیم که آجنائی هم  
که میجه اشتقاقی کرده اند ، سخت شیدانند است .  
یکی از حضرات کمیته چی در یادیه نامه سال سیس ا  
استاد به نقل قولی از منصفی " ندی ایران نویسن در سان  
۹۴ ، میگوید : " ... این نوشته اعتراف صریحی  
است به جزبی بودن و سیاسی بودن این سازمان!  
و سپس میبندد " از همین جملگی بالا نتیجه میگردد که  
چون سازمان گدائی " جزبی و سیاسی " است ، از اینرو  
نمیواند حاشین گفتار سوسیو یا اتحاد پی مرگسزی  
کارگران ایران کرد !  
نویسنده ، هدف اصلی روویزیونیستهای حزب توده  
را یکی بعد رو میکند . وی پس از نقد آری مقدمه چینی  
وصرفه او برکی چیدن ، ماهیت سازمانی را که ساواک به  
گرداند ، چنین ارزیابی میکند : " نظری به ترکیب شواری-  
عالی سازمان کارگران ایران نمیتواند ما را با این سازمان  
کارگران ایران آشنا کند که در آری بدنه ای کارگری و یوگ  
رهبری در براری - دلیتی - ساواکی است ."  
اینکه گفته میشود به نفع این سازمان کارگری است ،  
نه یک ارزیابی ساده و انترتکیب این سازمان ، بلکه در  
واقع زمینه چینی حرفهای مرتجعانه و یگریست ، روویزیو-

### گمونیست شماره ۱ نشریه تئوریک - سیاسی اتحادیه کمونیستهای ایران منتشرشد

فراوت کارگران لحن سیاسی خود میگردد و اینجاست که  
تهران اگونیست میبندد : " طبقه کی باید به نیروی انسانی  
تعمیر شود ... که چنانچه به نهانه های مختلفی که اکثر جسته  
های تبلیغاتی سالی و خرد دارد از کار خود بکاهد طغضا  
هرگز به هدنی که خود ترناید اند یعنی افزایش مرم و حقوق و  
امیارات نخواهند رسید " ( ۲۳ بهمن ) و دیگر اینکه ارتجا-  
عیون میبندد که این رشد آگاهی سیاسی و نندیده روجه ملاتو  
درین کارگران ارتباطات با فعالیت و یوگناشنه و تبلیغاتی  
نیوهای انقلابی جامعه میان کارگران . و این با رویجه هی نظری  
اگونیست با زبان طبقی خود یعنی با زبانی هرزه دریا نسته  
لحن آلوده ، چنین بیان میکند : " باید با کمال تعارف قبول کرد که  
روجه کار و کارائی در کشور ما در سالهای اخیر یائین آمده  
است و طبق کی بررسی سطحی که بعمل آورده ام یکی از مهم-  
ترین عوامل ایجاد کننده این وضع ، همان تبلیغات مرهانس  
زیرکان و خرابکارانه دشمنان ایرانست " ( ۹ بهمن ۱۳۵۵ ) و با  
باز در باره ی غلط " خرابی روجه " کارگران میبندد : " غلط اصلی  
آن تبلیغات مخربی است که ما بطرف هستیم از جانب دشمنان  
ایران و ملت ایران و معا رب دیگر از سوی کمونیسم بین المللی  
به دن برصدا و تناظر انجام میگردد این عبارت که چون جبهه  
واقعی کمونیسم در جهان امروز شناخته شده و دیگر نمیتواند در  
کندهائی نظیر ایران علنا احزاب خرابکار و تبلیغات رسمی خود  
را بره اندازند ، نقش خرابکارانه خود را بوسله تبلیغات مخفیان  
وقی زهرگانی انجام میدهد " ( ۲۴ بهمن ۱۳۵۵ )  
این هائیکه های گنه ترازه علاوه بر اینکه بیان افزایش بی  
ارتجاع به تشنید نخت کارگری ، رشد جواب سیاسی آن و  
فعالتهای انقلابی کمونیستهای وطن ما در میان کارگران است ،  
منگن گنه جمود فکری و کتبه سنی ارتجاع نیز میباشند . ایسن  
کو دلان باید اندیشی گمان میبندد که باز نکه " خرابکاری و  
" راستی به بیگانگان " بر مبارزات کارگران ، قادرند این مبارزات  
را در سطح خلق مفرود و به بینشائی مرم را در بر سرکب و جنسیا  
آنها بدست آوردند . و این چه اندیشه عبت و بی بنیادیست  
و چه راست است که ارتجاعین هرگز از تاریخ ننی آموزند . احتیما  
بیاه محمد رضا شاه ، مالبیاست که همین گونه تبلیغات را علیه  
نخست فرمانان دانشمندان ایران و مبارزات دلورانه زندان  
انقلابی سیمین ما نام زده است و میباید گوید که آینه که  
چگونه امروز هر زمان که از اعدام " خرابکاری " سخن میراندند - دل-  
های خلق مالا مال ازغ میگردود چه فورا در میباندند سخن از  
شهادت مبارزی راستین است ، و هر وقت که مبارزات دانشمندان  
میمن برست را به " عوامل بیگانه " و " ترویسیم بین المللی متصل

از اینرو میبیمیم که بحث بر سر اشاره به یک ادعا  
رژیم نیست . بلکه خود کمیته مرکزی را اعتقاد بر این  
است که " سازمان کارگران ایران یک سازمان کارگر  
است . " و این ادعا راکتبه چپهاست نهاد رومرد ای-  
سازمان ، بلکه در مورد همه مجامع و سازمانهای مشابه  
که ساواک برای فریب و کنترل کارگران و دشمنان  
کرده و " چون " سازمان آنش " آموزان " اتحادیه های  
گری و ... ) ، نموده اند . و این نشان میدهد که  
هدف اصلی کمیته چپها ، چیزی جز نقاشی کردن چهره  
سازمانهای ضد کارگری ساواکی ، کشانیدن کارگران به  
آنها مشرف بدون طبعی کارگزاران و مبارزه برا  
سرکوشی رژیم تهبکارشاه ، به مبارزه برای این یا  
سواک عقب افتاده و آنها در چارچوب تشکیلات  
سواکی و دلیتی نیست .  
اصلا هدف بر اندکان هیئت حاکنه از اینست  
تلیغات در وقتی نشانه روزی اینست که کارگران قهره  
مارا نسبت سازمانها و مجامع دولتی و در براری امید و  
با اعتقاد کند . آنها را سازمانهای واقعی کارگری جلو  
دهند و کارگران را به این باور کشاند که میتوان از را  
شرکت و فعالیتهای در این مجامع به خواستهای بر-  
طفی کارگرایان دست یافت .  
کارگرا در دست و مقابل این تلاش کفیت ساوا  
ادام نموده ، کارگران را نسبت به ماهیت ارتجائی  
مجامع آگاه گردانیده ، آنها را از شرکت در پیغوله  
چون " سازمان کارگران ایران " باز داشته ، و به سازمان  
دهی مخفی در میان آنان میگرداند . کارگرا که به کارگر  
میگوید که نه از راه شرکت در این سازمان و تلاش برا  
قبولاندن خواسته های خود به گردانندگی ساواک-  
آن ، بلکه از راه تحریم و مبارزه با آنست که میتوانند به  
خواستهای خود دست یابند . کارگرا که نیک میداند  
که " نصاب " روویزیونیستهای حزب توده به بغض او تنگ  
حرفهای ساواک نیست ، و تشابه کارزار فریبکاری رژیم  
شاه یاری میروسانند . و از اینرو آگاه گردانیدن کارگر  
نسبت به توطئه های ضد کارگری رژیم ، بدین انفض-  
بی امان این همزمانان رژیم و بر ملا نمودن ماهیت رژیم  
نیستی وضع انقلابی نظر اتشان ، ممکن نخواهد بود .

میگرد ، مردم به سخن از مبارزاتی برحق و عادلانه است .  
اینک نیز باید با اطمینان کامل گفت که دادن چنین نسبتهایی  
به نخت کارگران صحتناهی بیونده خلق را با این مبارزات  
منگم تر مینماید . اینک ارتجاعیون هر اس زده فریاد میزنند  
که " باید خلورگرونی بی انتظامی در محیط کار را گرفت " و  
" آموزش تئوریک نیست ، باید به موازات آن تشنه هم وجود داشته  
باشد " . و این میبه های هرمانی آلود برای آزادخواهان ایران  
بسنداری آفرین است . بگذار ارتجاع بر مانده محمد رضاشاهی  
ببندارد که با نازان شلاق استمداد ، راه نجائی میباید و لسی  
طبقه کارگر قهرمان ایران هر روز بیشتر و بیشتر دشمنان طبقاتی  
خود و دشمنان تمام مردم ایران را در رو پوختاندن کیفی بیفزا  
و تمام بزرگ سرمایه داران مغفوز با میبندد . و کینهی مقدس  
طبقه خود را نسبت به دشمنان افزایش میدهد و میروند تا ساخت  
ایران را از لوت و پوختان پاک نماید .  
در راه اردیبهشت و با خرد اندام امسال وزارت کار از  
کلبه سرمایه داران و کارفرمایان صنعتی بصورت مرهمانه دعوت  
میکند که در یک روز پنجمی در یک جلسهی مهم شرکت کنند . این  
جلسه در رومیوم بود با کنترل خیلی شدیدی مأمورین ساواک در  
ساختن وزارت کار تشکیل میگردد . تعد اد سرمایه داران ش-  
کننده نمیروند . و در مود ... ۲ نفرودند . در اندیشه ای جلسه  
یکی از سرکردگان ساواک خلق طولانی ایراد میکند . چکید ی  
مخفان شهادت از این بود که با یستی شده ا مواظب کارگران  
بناشید زیرکونیستینها که همان " خرابکاران " میباشند تا کنگسک

حقیقت را بخوانید  
نشان بستی ما :  
I.T.L.  
P.O. BOX 1148  
8200 Aarhus, N.  
Denmark  
و در میان مردم  
پخش کنید!